



دوست داری ماجرای مورچه‌ها را بدانی و بفهمی کی نجاتشان داد؟ پیشنهاد می‌کنم کتاب یکی بود اثر خانم سوسن طاق‌دیس را بخوانی.

انتشارات کانون پرورش فکری

کودکان و نوجوانان

۰۲۱-۸۸۷۱۵۵۴۵-۷



زهرة صادقی

● معلمی شکر خانوم ●

سلام دوباره دوست خوبم!

یک چیزی را می‌دانی؟ راستش من خیلی دوست دارم بدانم در جایی که شما زندگی می‌کنید، خانه‌ها و کوچه‌ها و محله‌ها چگونه هستند. خیلی دوست دارم بدانم همسایه‌هایتان چگونه هستند؟ رابطه‌تان با هم چگونه است؟

به خودم می‌گویم شاید محله‌ی شما یک محله‌ی باصفا مثل محله‌ی شکر خانوم باشد؛ یک محله‌ی پر از بچه‌ها که در آن همه‌ی بچه‌ها و همسایه‌ها با هم دوست هستند. یک محله‌ی که پر از قصه‌ها و اتفاقات جالب است؛ دقیقاً مثل اتفاقات محله‌ی شکر خانوم. شاید محله‌ی شما هم یک مامان بزرگ مهربان دارد که بچه‌ها دورش جمع می‌شوند و کارهای جالب و سرگرم‌کننده انجام می‌دهند؛ دقیقاً مثل شکر خانوم که همیشه کنار او به بچه‌ها خیلی خوش می‌گذرد و کارهای جالبی انجام می‌دهند.

برای همین، خیلی دوست دارم بروی کتاب محله‌ی شکر خانوم، نوشته‌ی ناصر یوسفی را بخوانی و برایم بگویی آیا محله‌ی تو هم به باحالی محله‌ی شکر خانوم هست؟

انتشارات افق: ۰۲۱-۶۶۴۱۳۳۶۷

● یکی بود ●

سلام دوستم!

یک سؤال! تا حالا شده است که به کمک کسی نیاز داشته باشی؟ نیاز داشته باشی کسی دستت را بگیرد و یاری‌ات کند؟

راستش را بخواهی برای من هم پیش آمده است. من فهمیدم که تنها نیستم و یکی همیشه هست. می‌پرسی چه کسی؟ همان کسی که صدای مورچه‌های سیاه را شنید و با تدبیرش آن‌ها را از دست مورچه‌های قرمز زورگو و بدجنس نجات داد.

